

دفتر نخست از مجموعه پژوهش های
«تاریخچه جنبش زنان ایران»



گفتگو با:
شهره نظر

به کوشش:

آناهیتا دی پیر





دفتر نخست از مجموعه پژوهش های
«تاریخچه جنبش زنان ایران»

گفتگو با: شهره نظر

ژورنالیست، فعال و محقق جنبش زنان

به کوشش: آناهیتا دی پیر

Goftegooye-Rooz

تاریخ انتشار: آبان ۱۴۰۴ - نوامبر ۲۰۲۵



Title: Interview with Shohreh Nazar

Interviewer: Anahita De Pir

Editorial Direction and Publication Supervision: Yashar Estahban-Nezhad

Publisher: Goftegooye–Rooz Publications

Place of Publication: Copenhagen, Denmark

Date of Publication: November 2025

ISBN: 978-87-976623-0-4

Series: History of the Iranian Women’s Movement – Volume I

Description: This book presents an extensive interview with Shohreh Nazar, documenting her personal experiences, political reflections, and her perspectives on the historical development of the Iranian women’s movement. It forms part of the ongoing research and oral history project Goftegooye–Rooz, dedicated to preserving and analyzing the voices of Iranian women who have witnessed and shaped the political and social transformations of their time.

Editing and Production: Edited and formatted with the assistance of AI language technology, under the author’s supervision. All editorial decisions, historical framing, and contextual analysis were directed by Yashar Estahban-Nezhad, in collaboration with the Goftegooye–Rooz research team.

Copyright: © 2025 Goftegooye–Rooz Publications. All rights reserved. This digital edition is distributed free of charge for educational and cultural purposes. It may be shared for non-commercial use provided proper credit is given to the publisher and the author.

فهرست

موضوع	صفحه
دیباچه - به قلم آناهیتا دی پیر	۶
گفتگو با شهره نظر	۸
شهره نظر کیست؟	۹
اجازه انتشار این گفت‌وگو در قالب کتاب	۱۱
ضرورت تحقیق درباره تاریخچه جنبش زنان	۱۲
تعریف جنبش زنان	۱۴
احساس و برداشت از جنبش زنان ایران	۱۶
نقش شناخت تاریخچه جنبش زنان در مبارزات امروز	۱۸
بزرگ‌ترین چالش جنبش زنان ایران	۲۰
نقش سیاسی و اجتماعی زنان در تاریخ باستان ایران	۲۲
نقش زنان در تورات و تاریخ بنی‌اسرائیل	۲۴
دگرگونی جایگاه زنان ایرانی پس از حمله اعراب	۲۶
طاهره قرةالعین؛ پیشگام کشف حجاب در ایران	۲۸
نقش بی‌بی خانم استرآبادی در نهضت زنان روشنفکر ایران	۳۰
جایگاه تاج‌السلطنه در تاریخ جنبش زنان ایران	۳۲
صدور اجباری شناسنامه برای زنان و دختران	۳۴
کم رنگ کردن دستاوردهای زنان در عصر پهلوی	۳۷
نقش تاریخی انقلاب سفید و اعطای حق رأی به زنان	۴۰
اعطای حق رأی به زنان در کشورهای همسایه	۴۲
تجربه‌های شخصی و مبارزاتی	۴۴
برآیند گفت‌وگو - به قلم آناهیتا دی پیر	۴۶

از انتشارات: گفتگوی روز



دیباچه

به قلم: **آناهیتا دی پیر**

در چند سال اخیر، مسئله جنبش زنان ایران به یکی از دغدغه‌های اصلی من تبدیل شده است. از مهرماه ۱۴۰۱ و هم‌زمان با خیزش اعتراضی علیه قتل دختر ایران، مهسا امینی – که با مشارکت گسترده در داخل و خارج از کشور ابعادی جهانی یافت – توجه من به تاریخچه جنبش زنان ایران به‌صورت جدی معطوف شد.

این رویداد موجب شد تا با رویکردی نظام‌مند به مطالعه و تحقیق در زمینه جنبش زنان ایران بپردازم. در ادامه، این مسیر مرا به انجام مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها با کنشگران، فعالان و پژوهشگران زن ایرانی سوق داد؛ مصاحبه‌هایی که هدف آن بررسی و بازنمایی معضلات و چالش‌های حقوقی، تاریخی و سیاسی زنان در بستر تاریخ معاصر ایران است. ضرورت چنین پژوهشی از آن‌جا ناشی می‌شود که تاریخ جنبش زنان ایران در موارد متعددی با تحریف، سانسور و بازنمایی‌های ناقص روبه‌رو بوده است. بسیاری از واقعیت‌ها به‌طور عمدی از دید جامعه پنهان مانده و برخی موضوعات نیز یا به دلیل کم‌کاری پژوهشی نادیده گرفته شده‌اند یا اساساً اهمیت لازم بدان‌ها داده نشده است.

با توجه به گستردگی ابعاد تاریخی، سیاسی و مذهبی مرتبط با تاریخچه جنبش زنان ایران، امید آن دارم که گفت‌وگوهایی که با زنان مبارز و فعال ترتیب داده‌ام بتواند به روشن‌تر شدن زوایای گوناگون این موضوع یاری رساند. در این مسیر، کوشیده‌ام از زنان مبارز با دیدگاه‌ها و باورهای متنوع دعوت کنم تا در قالب مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها – یا به تعبیر دقیق‌تر، گفت‌وگوهای دوستانه – حضور یابند. هدف از این رویکرد آن است که خوانندگان

گرامی با طیفی از گرایش‌ها و بینش‌های فکری آشنا شوند و بتوانند تصویر جامع‌تری از مسائل زنان ایران را به دست آورند.

دفتر حاضر، حاصل نخستین گفت‌وگوی من در این زمینه است. بدین‌وسیله از سرکار خانم شهره نظر، روزنامه‌نگار باسابقه و کنشگر حقوق زنان، که با بزرگواری فرصت این مصاحبه را در اختیارم قرار دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. ایشان سالیان متمادی در عرصه دفاع از حقوق زنان ایران فعالیت داشته و تجربه‌های ارزشمندی در این زمینه ارائه کرده است.

این مصاحبه در دو بخش در کانال یوتیوب «گفتگوی روز» منتشر شده و دفتر حاضر بازنویسی و گردآوری هر دو قسمت را دربر می‌گیرد. در پایان یادآور می‌شوم که برای افزایش دقت و سهولت درک مطالب، در بخش‌هایی از متن، پاورقی‌هایی درباره برخی اشخاص و رویدادهای سیاسی افزوده‌ام. مسئولیت محتوای این توضیحات بر عهده نگارنده است.

با سپاس

گفتگو با شهره نظر

آناهیتا دی پیر: مایه افتخار است که خانم شهره نظر، از نخستین زنان فعال و مبارز است که این دعوت را پذیرفته‌اند و در این برنامه حضور دارند. با توجه به اینکه می‌دانم ایشان در زمینه‌های گوناگون مبارزاتی و فرهنگی بسیار فعال هستند و واقعاً با کمبود وقت روبه‌رو می‌باشند، از پذیرش دعوت به این مصاحبه صمیمانه سپاسگزارم. خانم نظر، به برنامه «تاریخچه جنبش زنان» خوش آمدید!

شهره نظر: درود بی‌پایان بر شما و همه شنوندگان! من هم بسیار خوشحالم که در خدمت شما هستم.

شهره نظر کیست؟

آناهیتا دی پیر: خانم نظر، ضمن سپاس دوباره از اینکه دعوت مرا برای این گفت‌وگو پذیرفتید، دوست دارم در آغاز برنامه، خانم شهره نظر را با زبان خودتان معرفی کنید؛ به‌ویژه برای نسل جوانی که کمتر با شما آشنا هستند – البته با در نظر گرفتن مسائل امنیتی. از دید شما، به باور شما، خانم نظر کیست و چه فعالیت‌هایی در زمینه جنبش زنان داشته است؟

شهره نظر: ممنونم بانو. اجازه بدهید از اینجا شروع کنم که اولین بار که متوجه شدم چه حادثه‌ای در میهن ما اتفاق افتاده، اتفاقاً باز هم در ارتباط با همین زن بودنمان بود. گفتید معرفی کنم؛ بگذارید مشخص بگویم: من متولد تهران هستم. در روزهای شوم هجوم فرهنگی آماده می‌شدم برای رفتن به دانشگاه. تازه دوران دبیرستان را به پایان رسانده بودم که متأسفانه به دلیل مشکلاتی که برای خانواده‌ام پیش آمد، ما مجبور شدیم از ایران فرار کنیم و تا امروز هم هرگز به ایران برنگشتم. از زمانی هم که از ایران خارج شدم، فعالیت خود را آغاز کردم. نگاهی همواره همراه من بود، آن نگاه انتقادی به نظامی که بر ایران مسلط شد و هجوم فرهنگی‌ای که به راه افتاد. بخش عظیمی از این هجوم را متوجه زنان می‌دیدم. چون تا پیش از خروج من از ایران، جریان حجاب و روسری کم‌کم آغاز شده بود و من شاهد بسیاری از مسائل دیگر هم بودم، پیش از آنکه این نظام منحوس به سرانجام برسد؛ از جمله فعالیت‌هایی که بانوان پیش از این هجوم فرهنگی آغاز کرده بودند. آن تظاهرات عظیمی (۱) که به راه انداختند – حتماً به خاطر دارید یا شنیده‌اید، چون فکر نمی‌کنم آن موقع شما ...

آناهیتا دی پیر: بله، شنیدیم و بعدها هم دیدیم.
شهره نظر: بله! بنابراین می‌توانم بگویم که بخش عمده فعالیت‌های من همیشه بر این موضوع متمرکز بوده است. طی گفت‌وگوهایی که با شما خواهم داشت، بیشتر روشن می‌شود که دلیل من چه بوده است. بفرمائید.
آناهیتا دی پیر: بسیار سپاسگزارم خانم نظر!

پاورقی:

(۱) اشاره به تظاهرات زنان علیه حجاب اجباری در اسفند ۱۳۵۷ دارد.
 آیت الله خمینی در ۱۵ اسفند همان سال در مدرسه فیضیه قم گفت: «الآن وزارتخانه‌ها... آنطوری که برای من نقل می‌کنند، باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. وزارتخانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند. زن‌ها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند، اما کار نکنند لیکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهت شرعی باشند.»
 (منبع: صحیفه امام خمینی - جلد ۶)

پس از این سخنرانی، در ۱۷ اسفند از ورود زنان کارمند بی‌حجاب به ادارات جلوگیری شد. این اقدام جرقه‌ای شد برای اعتراض‌های گسترده زنان، که تا ۲۱ اسفند ادامه یافت. بسیاری از گروه‌های انقلابی، از جمله برخی جریان‌های کمونیستی، این اعتراض‌ها را مسخره یا محکوم کردند و حتی آن را «ضد انقلاب» و «طاغوتی» نامیدند.
 پس از وعده آیت الله طالقانی، رئیس شورای انقلاب، که «در حجاب، اجباری در کار نیست»، زنان از برگزاری تظاهرات روز ۲۱ اسفند منصرف شدند و اعلام کردند که «چون به نکات مورد نظر خود در مورد لغو تحمیل حجاب دست یافته‌اند، دلیلی ندارد که راهپیمایی آن روز انجام شود.»
 (منابع: روزنامه‌های کیهان، آیندگان و اطلاعات، از ۱۶ تا ۲۲ اسفند ۱۳۵۷).

اجازه انتشار گفت‌وگو در قالب کتاب

آناهیتا دی پیر: یک نکته مهم دیگر هم بود که می‌خواستم در ابتدای برنامه با شما در میان بگذارم. با توجه به اینکه هدف ما از این گفت‌وگوها یک برنامه سیاسی روز نیست، بلکه مروری بر تاریخ مبارزات و فعالیت زنان است، تصمیم گرفتیم در آینده نزدیک این مصاحبه‌ها را ابتدا به صورت فردی و در پایان به صورت مشترک – بر اساس حروف الفبا – در چند مجموعه و به شکل کتاب‌های پی‌دی‌اف منتشر کنیم. از آنجا که هدف ما فقط و فقط روشنگری و فعالیتی فرهنگی – سیاسی است، این کتاب‌های دیجیتالی را هم رایگان در اختیار هم‌میهنان عزیزمان قرار خواهیم داد.

خانم نظر، در اینجا از شما خواهش می‌کنم تأیید بفرمایید که حق انتشار این گفت‌وگو در قالب کتاب نیز به ما داده می‌شود؟

شهره نظر: حتماً و با افتخار عزیزم، حتماً!

آناهیتا دی پیر: بسیار سپاسگزارم!

ضرورت تحقیق درباره تاریخچه جنبش زنان

آناهیتا دی پیر: خانم نظر، با توجه به اینکه زنان و همچنین مردانی با تفکرها و ایدئولوژی‌های مختلف درباره تاریخچه جنبش زنان در ایران مطالعه و تحقیق کرده‌اند، مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگونی نیز نوشته شده است - نه تنها به فارسی بلکه به انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی هم تا جایی که من اطلاع دارم. همچنین در سایت‌ها و روزنامه‌های معتبر جهان مقاله‌های متعددی منتشر شده و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مختلفی انجام گرفته است. با این همه، به نظر شما آیا هنوز هم ضرورت دارد که همچنان در این زمینه تحقیق شود، کار شود، مقاله و کتاب نوشته شود یا مصاحبه‌هایی انجام گیرد؟

شهره نظر: به طور قطع و یقین پاسخ من مثبت است. ببینید! ضرورت ادامه این تحقیق درباره جنبش زنان در ایران نه تنها باید پابرجا بماند بلکه از نظر قیاسی یک ضرورت حیاتی و استراتژیک برای ایران است، برای سرزمین ما بالاخص! جنبش زنان در ایران یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین و در عین حال یکی از سرکوب‌شده‌ترین نیروهای اجتماعی کشور است.

البته در همین‌جا اجازه بدهید که من تاریخ مدون ایران را به دو بخش تقسیم کنم: پیش از اسلام و پس از اسلام. ما هرگاه زنان را در ایران نگاه می‌کنیم که به میدان آمده‌اند، تغییر سیاسی نیز به دنبال آن شکل گرفته است؛ از مشروطه بگیرید تا انقلاب شوم ۵۷ و آن هجوم فرهنگی که با آن مواجه شدیم، تا برسیم به اعتراضات جنبش «زن، زندگی،

آزادی» (۱). باید بگویم زنانی که در این بزنگاه تاریخی متوجه اهمیت موضوع بودند، توانستند نقش بسیار پررنگی ایفا کنند.

در واقع اجازه بدهید بگویم این همان بازخوانی نبض تحولخواهی جامعه ایرانی بود که به صدا درآمد، به‌وسیله من، شما، زن ایرانی. یعنی زن ایرانی متوجه شد که اگر روی این مسأله پافشاری کند - چون بسیاری، بی‌تعارف، بر این باور بودند یا با ناباوری نگاه می‌کردند که مبادا دوباره از آنها سوءاستفاده شود - اما زنان باهوش و بادرایت، چه درون ایران و چه برون ایران، با ذکاوت خاص خودشان، با اینکه نخستین قربانیان ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی بودند، امروز در صف اول مقاومت قرار گرفته‌اند. مطالبه‌گری سیاسی آنهاست که امید بیشتری را در دل اپوزیسیون و آزادی‌خواهان در داخل و خارج پدید آورده است.

پاورقی:

(۱) پس از کشته شدن مهسا امینی به دست «گشت ارشاد» جمهوری اسلامی در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، روز بعد تجمعی اعتراضی مقابل بیمارستان کسری تهران برگزار شد. این اعتراض آغازگر موجی از تظاهرات هماهنگ در شهرها و شهرستان‌های مختلف ایران شد.

برخی به این خیزش سراسری، که در واقع رنگ و بوی یک انقلاب ملی داشت، به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک نام «جنبش زن، زندگی، آزادی» دادند، در حالی که شعار غالب در خیابان‌ها «زن، زندگی، آزادی - مرد، میهن، آبادی» بود.

در ایران، مبارزان خیابانی کمتر این عنوان را به کار می‌بردند؛ اما در میان جنبش‌های زنان در خارج کشور و به‌ویژه در محافل فمینیستی، این نام رواج یافت و مطبوعات جهانی نیز آن را بازتاب دادند.

آمار جان‌باختگان، زندانیان سیاسی و اعدایان این خیزش به‌روشنی نشان می‌دهد که مردان دوشادوش زنان در این حرکت ملی حضور داشتند و حتی گاه بهای سنگین‌تری پرداختند. از این رو، این حرکت بیش از آنکه جنبشی زنانه در چارچوب خواست‌های حقوقی زنان باشد، یک انقلاب ملی در راستای سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی ایران بود.

تعریف جنبش زنان

آناهیتا دی پیر: بانو نظر، تعریف شما از «جنبش زنان» به طور عمومی چیست؟ یا به عبارتی، برداشت و درک شما از «جنبش زنان» چیست؟

شهره نظر: ببینید، جنبش زنان به طور کلی یک حرکت اجتماعی-سیاسی سازمان‌یافته است. این جنبش در حال تحول دائمی هم هست؛ یعنی ما هر روز شاهد دگرگونی‌های تازه‌ای در آن هستیم. یادتان باشد که من تا اینجا دارم در ارتباط با زنان میهن‌مان صحبت می‌کنم. البته در ادامه، اگر لازم باشد، مقایسه‌ای هم با وضعیت زنان در منطقه و جهان خواهم داشت.

آناهیتا دی پیر: بسیار عالی!

شهره نظر: من معتقدم هدف جنبش زنان تنها تحقق برابری جنسی نیست – اگرچه این مسئله روشن است و چرا که نه! چون ما زنان ایرانی تا پیش از این ۱۴۰۰ سال، جایگاه ویژه‌ای داشتیم و در بسیاری از موارد حتی می‌توانم با جرأت بگویم بالاتر از مردان حرکت می‌کردیم و حرف آخر را می‌زدیم. چون دو مسئولیت داشتیم؛ هم خانواده و گاه به دلیل نبود همسر – می‌دانید، وقتی جنگی پیش می‌آمد یا مشکلاتی به وجود می‌آمد، حتی اگر زنان به‌عنوان سردمدار کشور نبودند، باز هم بار مسئولیت را بر دوش می‌گرفتند. چنان‌که در برخی مقاطع تاریخی زنان در ایران به پادشاهی هم رسیده اند (۱).

باید این را هم اضافه کنم که من همیشه تأکید خواهم کرد تاریخ ما دو بخش دارد: پیش از اسلام و پس از اسلام. اما رفع تبعیض‌ها فقط مربوط به حقوق جنسیتی نیست؛ این تبعیض‌ها حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. و برای رفع آنها ما هنوز کار بسیار

داریم. باور کنید حتی اگر بزنگاهی که امیدواریم بسیار نزدیک باشد فرا برسد، باز هم باید تلاش کنیم تا جایگاهی را که پیش از این چهل و اندی سال از ما گرفته شد – و در دوره پهلوی به ما زنان اعطا شده بود – دوباره به دست آوریم.

ببینید، از منظر حقوقی جنبش زنان تلاش می‌کند نظام‌های قانونی نابرابر را اصلاح کند. من همچنان در ارتباط با میهن‌مان صحبت می‌کنم. چون حقوق بنیادین بشر، از جمله حق آموزش، اشتغال و مشارکت سیاسی، باید برای زنان تضمین شود. اما بخش مهم دیگری هم وجود دارد؛ حق کنترل بر وجود و زندگی شخصی زن. چرا باید دیگری برای زندگی یک زن تصمیم بگیرد؟ زنی که در تاریخ این سرزمین در بسیاری عرصه‌ها حتی پیشی گرفته بود، چرا باید به این روزگار دچار شود؟

متأسفانه بر اساس اسناد بین‌المللی، امروز جایگاه زنان ایران بسیار پایین است، حتی به جرأت می‌توانم بگویم پایین‌تر از میانگین جهانی. ما حتی نمی‌توانیم درباره زندگی شخصی خودمان، فرزندانمان یا ادامه یک رابطه تصمیم بگیریم. این در حالی است که در گذشته زنانی در ایران بوده‌اند که به وزارت مالیه رسیده‌اند (۲) یا اداره کشور بر شانه‌های آنان استوار بوده است.

باورقی‌ها:

(۱) در دوره ساسانی (۶۳۰ میلادی)، دو دختر خسرو پرویز به نام‌های **پوران‌دخت** و **آذرمدخت** به تخت سلطنت رسیدند و به‌عنوان پادشاه رسمی ایران حکومت کردند.

(۲) در ایران باستان نیز زنانی در بالاترین مسئولیت‌های مالی کشور حضور داشتند. از جمله **آرتادخت اشکانی** (قرن اول میلادی)، که وزیر خزانه‌داری بود. همچنین در قرن هفتم میلادی، در دوره ساسانیان، زنی به نام **دَک** در زمان پادشاهی پوران‌دخت و آذرمدخت، عهده‌دار وزارت مالیه بود.

احساس و برداشت از جنبش زنان ایران

آناهیتا دی پیر: بانو نظر، فراتر از تعریف و برداشتی که شما از «جنبش زنان ایران» دارید، به طور خاص «جنبش زنان ایران» چه چیزی را در ذهن شما تداعی می‌کند؟ منظورم این است که چه احساسی را در شما برمی‌انگیزد؟

شهره نظر: ببینید، دوباره برمی‌گردم به همان مصیبت‌هایی که ما به دلیل تفکر ایدئولوژیک حاکم بر میهن‌مان با شدت و حدت تمام تحمل کرده‌ایم؛ حتی می‌خواهم بگویم گاهی ریشه‌هایش عمیق‌تر از هزار و اندی سال گذشته است. ما باید یادمان باشد – و باز هم تکرار می‌کنم – که جنبش زنان ایران سیاسی و تاریخی است و فراتر از یک خواست صرفاً جنسیتی. برویم و رجوع کنیم به مجله دانش (۱) که در دوره قاجاردختران ما آن را می‌نوشتند و اداره می‌کردند؛ یا به انجمن‌های مشروطه‌خواه، زنان پیشرو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، و بالاخره پیشگامی زنان در اعتراضات خیزش «زن، زندگی، آزادی».

این جنبش به ما یادآوری می‌کند که تحولات سیاسی – باز هم تأکید می‌کنم – باید معیاری باشد برای سنجش میزان دموکراسی در آینده ایران. من روی این موضوع تأکید ویژه دارم! این جنبش فقط برای تحقق خواسته‌های برحق من و شما زنان نیست، بلکه به نیمی از نیرویی مربوط می‌شود که پس از ورود اسلام و سپس با هجوم فرهنگی سال ۱۳۵۷، از عرصه فعالیت‌های عمومی کنار زده شد.

در زمان رضاشاه، به تعبیر خود او، «جمعیت ایران دو برابر شد»؛ چراکه زنان به صحنه آمدند، اما با به قدرت رسیدن نظام جدید در سال ۱۳۵۷، این دستاوردها در فاصله کوتاهی

به عقب رانده شد. نه تنها جمعیت فعال زنان به نصف کاهش یافت، بلکه «دامان پرمهر مادر و زن» را به گروگان گرفتند. این وضعیت پایه‌های جامعه سالمی را که در مسیر نزدیکی به جوامع متمدن و مترقی جهان بود، ناگهان از کار انداخت.

پاورقی:

(۱) نشریه **دانش** نخستین مجله ویژه زنان در ایران بود که در سال ۱۳۸۹ خورشیدی در تهران منتشر شد. سردبیر آن **عفت سیاح** (معصومه سپانلو)، مشهور به **بانو کحال** بود. در نخستین شماره نوشته شد: «روزنامه‌ای است اخلاقی، درباره خانه‌داری، بچه‌داری، شوهرداری، مفید به حال دختران و زنان، و به کلی از سیاست مملکتی سخن نمی‌راند.»

نقش شناخت تاریخچه جنبش زنان در مبارزات امروز

آناهیتا دی پیر: بله، شما طبیعتاً بهتر از هر کسی می‌دانید که شناخت گذشته – منظورم تاریخ است – به معنای بازگشت به گذشته نیست، بلکه راهی برای ساختن آینده است. به نظر شما شناخت تاریخچه جنبش زنان ایران چگونه می‌تواند به مبارزات امروزی زنان کمک کند؟

شهره نظر: ببینید بانو، شناخت تاریخچه جنبش زنان در ایران قطعاً دیگر نمی‌تواند بازگشت به گذشته باشد. ممکن است ما بر اثر بد حادثه تجربیات بسیار تلخی را پشت سر گذاشته باشیم. اما برای بازپس‌گیری صدای زنان از دل تاریخ سرکوب‌شده‌مان باید برخیزیم و آن را به سرمایه‌ای برای کنشگری امروز و فردای خود تبدیل کنیم. ما قرار نیست فقط به دیروز آزاد خود بسنده کنیم. در هر جامعه‌ای، مبارزات امروز بدون آگاهی از گذشته نه عمقی خواهد داشت و نه بُرد استراتژیک.

شناخت تاریخی به‌ویژه از سه جهت برای همه ما حیاتی است. نخست اینکه چرخه‌های سرکوب و تکرارشونده تاریخی را آشکار می‌کند. با مطالعه تاریخ، به‌ویژه تاریخ جنبش زنان، می‌توان الگوهای تثبیت‌شده سرکوب، حذف، عقب‌نشینی یا سوءاستفاده سیاسی از زنان را شناخت. مثلاً ببینیم چگونه در انقلاب مشروطه زنان مبارز پس از پیروزی از قدرت کنار گذاشته شدند، یا چگونه در هجوم فرهنگی سال ۱۳۵۷ مشارکت گسترده زنان به عقب‌گرد عظیم حقوقی آنان انجامید.

ما نمونه‌ای داریم از بانوئی که – البته من نمی‌خواهم اینجا اسم ببرم چون نگاه کلی داریم – ایشان قاضی (۱) بودند و جزو کسانی بودند که باورمند به آن هجوم فرهنگی شدند.

اولین دستاوردش برای همین بانو، تنزل از مقام قضاوت به وکالت بود. یعنی تا زمانی که ما بر تاریخ خود مسلط نشویم و ندانیم، شک نکنید که اشتباهات دیروز را دوباره تکرار خواهیم کرد. شناخت این چرخه‌ها مبارزات امروز را هوشیارتر، مقاوم‌تر و – بالاتر از همه – ضد تکرار می‌کند. یعنی دیگر دچار توهم تلخ ۱۳۵۷ نخواهیم شد. اینجا دوست دارم مثالی از شخصیت‌هایی بیاورم که برای ما بسیار آشنا هستند. به عنوان نمونه، اجازه بدهید از طاهره قرةالعین (۲) یاد کنم. تاریخ جنبش زنان ایران پر است از شخصیت‌هایی همچون او؛ زنانی فرهیخته و دلاور، هرکدام با تجربه و روش و صدای منحصر به فرد. زنانی که با وجود بسته بودن دست و پایشان به دلیل شرایط ایدئولوژیک پس از اسلام، باز هم توانستند این محدودیت‌ها را کنار بزنند. فرهنگی که پشتوانه‌شان بود، کمکشان کرد از این موانع بگذرند. و من شک ندارم که زنان امروز نیز موفق خواهند شد.

پاورقی‌ها:

(۱) منظور **شیرین عبادی** است؛ نخستین زن ایرانی که در سال ۱۳۴۸ به مقام «رئیس دادگاه» منصوب شد. او در سال ۱۳۵۴ ریاست شعبه ۲۴ دادگاه شهرستان را بر عهده گرفت، اما پس از انقلاب ۱۳۵۷ از مقام خود برکنار و از حق قضاوت محروم شد.

(۲) طاهره قرةالعین، از پیروان مکتب بایه و نخستین زنی بود که در دوره قاجار بدون حجاب در جمع مردان حاضر شد. او در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در تبریز کشته شد. از او نوشته‌هایی باقی مانده است، از جمله: «رساله استدلالیه در جواب اعتراضات حاجی محمد کریم‌خان کرمانی» و «مکتوب جناب طاهره برای ابطال مفتریات بعضی از مدعیان محبت».

بزرگ‌ترین چالش جنبش زنان ایران

آناهیتا دی پیر: حالا در رابطه با این موضوع، شما بزرگ‌ترین چالش پیش روی جنبش زنان ایران را چه می‌دانید؟ به نظر شما، آیا مسائل ساختاری و بنیادی مثل قوانین یا سنت‌های مذهبی و فرهنگی مهم‌تر است؟ یا تفاوت‌های طبقاتی و جایگاه اقتصادی و اجتماعی؟ یا اینکه نگاه‌های ایدئولوژیک و سیاسی؟ چالش اصلی کدام است؟

شهره نظر: بانو، سؤال خیلی مهمی است... اجازه بدهید من کمی تقسیم‌بندی کنم، تا آنجا که بشود.

آناهیتا دی پیر: حتماً، می‌دانم شما واقعاً می‌توانید به این پرسش پاسخ دهید.

شهره نظر: نه، تمنا می‌کنم. امیدوارم از حوصله شنوندگان و شما بانوی گرامی خارج نشود. ببینید، پرسش از بزرگ‌ترین چالش جنبش زنان ایران در واقع پرسش از ریشه قدرت ستمگرایانه‌ای است که علیه زنان در ایران عمل کرده است. همه این عوامل – ساختار قانونی، سنت فرهنگی، نگاه ایدئولوژیک – در هم تنیده‌اند. اما آنچه آنها را فعال، هماهنگ و مسلط کرده برای سرکوب زنان، نظام سیاسی جمهوری اسلامی است.

حالا سؤال این است: آیا مشکل فقط ساختار جمهوری اسلامی است؟ شاید تعجب کنید اگر بگویم نه! زن‌ستیزی و مردسالاری یک پدیده تاریخی است و تبعیض مذهبی و فرهنگی در ایران پیش از جمهوری اسلامی هم وجود داشته است. ما فقط در یک «زنگ تفریح تاریخی» حضور پادشاهان پهلوی و آن چند دهه‌ای را داشتیم که سایه بلند قانون بر ایران افتاد. اما بلافاصله دوباره دچار همان چرخه شدیم.

نگاه کنید: از مسئله حضانت، دیه، ارث... همه این‌ها ریشه در همان باورهای ایدئولوژیک دارند. مثل پوشش اجباری، یا حذف زنان از عرصه عمومی به نام «ناموس» و «عفت». نظامی که بر پایه فقه مردان ساخته شده و مبنای قضاوت آن هم از همان باورها نشأت گرفته و اجرا شده است. در واقع جمهوری اسلامی خالق زن‌ستیزی نیست، بلکه دولت زن‌ستیز است که همه فجایعی را که ما در این ۱۴۰۰ سال تحمل کرده‌ایم یادآوری و تثبیت می‌کند. ساختاری که تبعیض را نه تنها اصلاح نکرد، بلکه آن را به قانون تبدیل کرد، آموزش را سرکوب کرد و فرهنگ مردسالاری را تقویت نمود.

و اینجاست که به نقش فرهنگ می‌رسیم. وقتی می‌گویند مشکل فقط فرهنگ است، نه جمهوری اسلامی، باید بگویم نیمی از این حرف درست است و نیمی بسیار خطرناک. چرا؟ چون فرهنگ پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه دائماً تولید و بازتولید می‌شود. ابزارهای اصلی آن دولت، رسانه، آموزش و پرورش و قانون هستند؛ و این‌ها هم می‌توانند به سود برابری عمل کنند و هم بر ضد آن. جمهوری اسلامی متأسفانه از همین ابزارها برای تثبیت فرهنگ مردسالاری بهره برده است.

اگر فرهنگ ذاتاً عامل اصلی بود، چرا در خارج از ایران زنان نسل جوان این‌گونه فعال شدند؟ امروز فعال بودن زنان ایرانی در جوامع بین‌المللی زبانزد خاص و عام است. فرهنگ اگر از چنگ ایدئولوژی رها شود، تغییرپذیر است.

پس چالش اصلی جنبش زنان ایران همین ترکیب مسموم سه‌گانه است: قوانین تبعیض‌آمیز برگرفته از فقه شیعه حکومتی، فرهنگ مردسالارانه تقویت‌شده با سرکوب دولتی، و ساختار سیاسی-ایدئولوژیک جمهوری اسلامی. هر بار که نسیم آزادی می‌خواهد جریان یابد، این ساختار سیاسی، زن را گروگان می‌گیرد. ما شاهد آن بوده‌ایم؛ چه در سرکوب‌های خیابانی اخیر، چه در زندان‌ها، حتی با فجایعی چون «اسیدپاشی» یا تجاوزاتی که بر پایه قوانین اسلامی توجیه می‌شوند. این ساختار زن را نه انسان، بلکه ابزار کنترل جنسی - سیاسی می‌بیند. بنابراین جنبش زنان باید هم با فرهنگ تبعیض بجنگد، هم با فقه سیاسی، و هم با دولت زن‌ستیز جمهوری اسلامی.

نتیجه‌ای که می‌گیرم این است: کسانی که می‌گویند مشکل فراتر از جمهوری اسلامی است، تا حدی درست می‌گویند. اما اگر نقش حکومت را نادیده بگیریم، در دام ساده‌سازی، ساده‌لوحی و بی‌تحلیل‌گری سیاسی می‌افتیم. زن‌ستیزی در ایران ریشه‌ای فرهنگی دارد، تنه‌ای ایدئولوژیک، و شاخه‌هایی قانونی-سیاسی. مبارزه با آن نیازمند هم آگاهی فرهنگی است و هم مبارزه سیاسی.

نقش سیاسی و اجتماعی زنان در تاریخ باستان ایران

آناهیتا دی پیر: حالا با اجازه شما، کمی هم برگردیم به گذشته، گذشته خیلی دور. لطف می‌کنید کمی از زنان بزرگ تاریخ باستان ایران بگویید، از نظر نقش سیاسی و اجتماعی شان؟

شهره نظر: با افتخار! اتفاقاً خیلی خوشحالم که پرسش‌های شما این‌گونه مطرح می‌شوند؛ چون اگر از بد حادثه‌ها می‌گوییم، باید از نقاط عطف تاریخی‌مان هم بگوییم. این زنان می‌توانند سرلوحه حرکت امروز جنبش باشند.

ببینید، زنان بزرگ تاریخ باستان گواهی هستند بر ریشه‌دار بودن نقش اجتماعی و سیاسی زنان در تمدن ایران. خیلی مسئله مهمی است. ما در ساختار تاریخ پُر عظمت ایران نقش بسیار حساسی داشتیم. اگر یک نگاه اجمالی به تاریخ باستان ایران بیندازیم، برخلاف تصور بسیاری که به‌ویژه در دوران سلطه فقه و تفکر قبیله‌ای مذهبی بر ایران به ما تحمیل شد، این تاریخ پُر است از حضور مؤثر زنانی که خردورزی و رهبری‌شان در عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی بسیار پررنگ بوده است.

شناخت و ترویج این چهره‌های درخشان نه‌تنها بازآفرینی هویت تاریخی زن ایرانی است، بلکه سدی است در برابر تصویر تحقیرآمیز «زن صیغه» در نظام فکری جمهوری اسلامی. اجازه اجازه دهید پنج زن نامدار را مثال بزنم:

– ما آرتادخت اشکانی (۱) را داریم، وزیر مالیه شاهنشاهی. او در دوره اشکانیان به وزارت دارایی رسید؛ در زمانی که حتی در جوامع بزرگی چون یونان، چین یا روم چنین جایگاهی

برای زنان متصور نبود. این الگویی بی‌نظیر است و جای پای او در تاریخ همچنان پررنگ است.

– ازسوی دیگر آذرمدخت (۲) شاهنشاه زن ساسانی، دختر خسرو پرویز، به‌عنوان پادشاه زن بر تخت نشست. با وجود همه فشارهای سیاسی و حکومتی، او نماد استقلال زنانه در عرصه سیاست سلطنتی بود. پیش از او خواهرش پوراندخت (۲) نخستین زن پادشاه ایران شد که تلاش می‌کرد در روزگار پُراشوب، نظم و عدالت برقرار کند.

– بیایید آتوسا (۳) را ببینیم؛ ملکه هخامنشی، دختر کوروش بزرگ، مادر خشایارشا. زنی از تبار شاهان که نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال قدرت، تصمیم‌گیری سیاسی و اتحاد ملی داشت. او در دربار هخامنشی دیپلماسی و نفوذی هوشمندانه به کار گرفت.

– و سرانجام یوتاب (۴) فرمانده نظامی و خواهر آریوبرزن. او در برابر ارتش اسکندر مقدونی ایستادگی کرد و در نبردهای پارتیزانی در کهگیلویه و فارس شرکت داشت. مقاومت مسلحانه و شجاعت ملی او نشان داد که رهبری نظامی زنان در تاریخ ایران واقعیتهایی انکارناپذیر است.

چرا ترویج این الگوها برای جنبش زنان امروز لازم است؟ چون این نمونه‌ها نشان می‌دهند زن ایرانی از دیرباز در سیاست، جنگ و فرهنگ نقشی تعیین‌کننده داشته و می‌تواند امروز هم الهام‌بخش باشد.

پاورقی‌ها:

(۱) *آرتادخت اشکانی*، (قرن اول میلادی)، نخستین وزیر زن خزانه‌داری یا مالیه در ایران باستان. او در زمان اردوان چهارم، آخرین شاه اشکانی، نقش مهمی در حکمرانی و مدیریت مالی داشت.

(۲) *پوراندخت و آذرمدخت*، دختران خسرو پرویز، در دوره ساسانی (۶۳۰ میلادی) به پادشاهی ایران رسیدند و به‌عنوان فرمانروایان رسمی کشور شناخته شدند.

(۳) *آتوسا*، دختر کوروش بزرگ، همسر داریوش بزرگ و مادر خشایارشا. به روایت هرودوت و منابع هخامنشی، او نماد قدرت و اعتبار زنان هخامنشی بود و در تصمیمات سیاسی و اجتماعی نقش داشت.

(۴) *یوتاب*، زن دلیر ایرانی در دوره هخامنشی، فرمانده سپاهی بود که در برابر ارتش اسکندر مقدونی جنگید. او تا آخرین لحظه مقاومت کرد و در میدان نبرد کشته شد.

نقش زنان در تورات و تاریخ بنی اسرائیل

شهره نظر: من گفته بودم که یک نقد تاریخی می‌خواهم به منطقه وارد کنم
آناهیتا دی پیر: بله، بفرمایید، خواهش می‌کنم!

شهره نظر: سپاسگزارم. ببینید، می‌خواهم اینجا یک مقایسه تاریخی انجام بدهم. ما پرسیدیم آیا این فقط اسلام است؟ آیا فقط حکومت ایدئولوژیک در ایران عامل زن‌ستیزی است؟ من شما را رجوع می‌دهم به تاریخ بنی اسرائیل. به روایت خودشان، وقتی ده فرمان نازل شد، هنوز خبری از قوانین سخت و دست‌وپاگیر مذهبی نبود. و می‌گویند این فرمان‌ها به دست میریام (۱) سپرده شد؛ یعنی قانونی که قرار بود بر سرزمین پدری‌شان حاکم شود، به دست یک زن داده شد. بعد، وقتی به سرزمین خود رسیدند، ما با شخصیتی به نام دُورا (۲) روبه‌رو می‌شویم. دُورا قاضی بود، یعنی بر مسائل قوم بنی‌اسرائیل قضاوت می‌کرد و در اسکان و سامان‌دهی جامعه نقش اصلی داشت. او حرف آخر را در میان قوم خود می‌زد. بیاییم به عصر جدید: گُلدا مایر (۳) نخست‌وزیر اسرائیل، او توانست به جایگاهی برسد که در آن کشور حرف اول را می‌زند؛ چون در اسرائیل نخست‌وزیر است که عملاً حکومت می‌کند و رئیس‌جمهور بیشتر جنبه تشریفاتی دارد. اما حالا ببینید چه اتفاقی افتاده: همان میریام که ده فرمان به دست او سپرده شد، اجازه نداشت در کنیسه (۴) بر جایگاه مقدس میشکان (۵) برود، چون زن بود! یا همان دُورا که در آغاز قاضی قوم بود، در دوران فرماندهی ژنرال شائول موفاز (۶) حتی اجازه نداشت به مقام معاونت برسد. جالب است که موفاز ایرانی‌تبار بود، اما پای چنین حکمی را امضا کرد.

در تاریخ اسرائیل می‌بینیم که با وجود نخست‌وزیری گُلدا مایر، زنان نتوانستند در دهه‌های بعدی به چنین جایگاهی برسند. چرا؟ چون قوانین مذهبی ایدئولوژیک سد راه شدند. پس این مشکل فقط مختص ایران نیست. هر کجا قوانین بر پایه باورهای ایدئولوژیک گذاشته شوند، نتیجه همین است: بلبشو، زن‌ستیزی و عقب ماندگی.

به ما می‌گفتند ایران «متمدن‌ترین کشور جهان» است؛ درباره اسرائیل می‌گفتند «دموکرات‌ترین کشور خاورمیانه» است. اما هر دو، با چنبره قوانین ایدئولوژیک، از مسیر سلامت و پیشرفت منحرف شدند. امیدواریم هر دو ملت بتوانند عاقلانه از این گردنه عبور کنند.

آناهیتا دی پیر: بله، بسیار سپاسگزارم از توضیح شما درباره بخش دیگری از خاورمیانه. **شهره نظر:** خواهش می‌کنم. بدون شک، وقتی تاریخ را ورق می‌زنیم و اجازه می‌دهیم تحلیلی یا برداشتی از خودمان با دیگران در میان بگذاریم، در درجه نخست باید قضاوتمان عادلانه باشد. اگر قضاوت عادلانه باشد، دیگران آن را می‌پذیرند؛ اگر نباشد، سری تکان می‌دهند و می‌روند.

پاورقی‌ها:

- (۱) میریام، خواهر موسی و هارون در تورات. در متون عبری نام او به صورت «مریم» آمده است.
- (۲) دُورا (دیوره) به روایت تلمود یهود، چهارمین قاضی بنی اسرائیل پیش از پادشاهی داوود. او از قبیله «افرایم» در غرب اردن به عنوان قاضی برگزیده شد.
- (۳) گُلدا مایر، چهارمین نخست وزیر اسرائیل (۱۹۶۹-۱۹۷۴) و رهبر حزب کار. او نخستین و تنها زن نخست‌وزیر در تاریخ اسرائیل است.
- (۴) کَنیسه، محل نیایش یهودیان و اجتماعات دینی آنان.
- (۵) میشکان، در سنت یهودی به معنای خیمه مقدس یا پرستشگاه موقت بنی اسرائیل در بیابان؛ پیش از ساخت معبد سلیمان در اورشلیم محل عبادت و قربانی بود.
- (۶) شائول موفاز، ارتشبد ایرانی تبار اسرائیلی که در سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۷ خورشیدی) به فرماندهی کل ستاد مشترک ارتش اسرائیل رسید.

دگرگونی جایگاه زنان ایرانی پس از حمله اعراب

آناهیتا دی پیر: خوب، بانو نظر، همه ما چه موافق باشیم و چه مخالف، می‌دانیم و پذیرفته‌ایم – شما هم تا اینجا توضیح دادید – که حمله اعراب به ایران نقش مهمی در تحولات فرهنگی و اجتماعی داشت. به نظر شما، بعد از تسلط اعراب بر ایران، جایگاه و مقام زنان ایرانی دستخوش چه دگرگونی تاریخی شد؟

شهره نظر: ببینید، من در آغاز مصاحبه عرض کردم که ما فعالیت زنان و کلاً جنبش زنان را به دو دوره تقسیم می‌کنیم. اجازه بدهید برای شنوندگان شما هم بگویم چرا اصلاً ما این جنبش را ادامه دادیم. من خودم افتخار داشتم که در ادامه آن نقش داشته باشم؛ اما با کمال تأسف بهانه‌ای که ما را وادار کرد فوراً این کار را جدی‌تر پی بگیریم، خودسوزی هما دارابی (۱) بود.

با همه بدحادثه‌هایی که بعد از اسلام بر سر زنان آمد، جنبش زنان هیچ‌گاه متوقف نشد. هیچ‌گاه از پا ننشست و کارش را تمام‌شده ندانست. چرا؟ چون اگر جایگاهی را که پیش از آن داشتیم بازنیابیم، کارمان تمام نیست. نقش زنان بعد از هجوم فرهنگی اسلام به ایران مراحل مختلفی داشت، اما بیشتر به شکل جنبش‌های کوتاه و سرکوب شده است. مثلاً طاهره قرةالعین. او از خانواده‌ای مذهبی آمد، اما گفت: «آقا! من می‌خواهم بروم و مجتهد شوم.» وقتی به درجه اجتهاد رسید، دیگر نمی‌توانستند بگویند «تو نمی‌دانی»، چون بسیار می‌دانست. اما با وجود آن دانش، چادر از سر برداشت و شاید نخستین بانویی بود که نقاب از چهره برداشت. روایت شده که سخنرانی او چنان تأثیرگذار بود که یکی از حاضران در همان جمع، طاقت نیاورد و خود را کشت.

بعد جلوتر می‌آییم: جنبش تنباکو و مشروطه. اینها در اصل، آغاز حضور سازمان‌یافته زنان در سیاست ایران نوین است. در جنبش تنباکو زنان با تحریم قرارداد انحصار، از مردانشان خواستند از تنباکو استفاده نکنند. در منابع تاریخی آمده زنان حتی مانع ورود مردان قلیان‌کش به خانه می‌شدند.

در انقلاب مشروطه نقش زنان بسیار پررنگ‌تر بود: نخستین بار تشکیلاتی، ایدئولوژیک و میدانی وارد سیاست شدند. اسناد تاریخی فراوانی هست از حضور زنان در تظاهرات، حمایت از قانون، مخالفت با استبداد، پخش شب‌نامه‌ها، و حتی چاپ آن‌ها. برخی از نخستین روزنامه‌نگاران زن مثل بی‌بی خانم استرآبادی در همین دوره فعال بودند. انجمن‌های سری زنان در تبریز، تهران، رشت، اصفهان و دیگر شهرها شکل گرفتند؛ انجمن‌هایی چون «انجمن زنان وطن‌پرست» که برای تأمین مالی مشروطه‌طلبان، جمع‌آوری اسلحه و تشویق مردان برای مقاومت تلاش می‌کردند.

من به‌ویژه دوست دارم از زنان آذربایجان یاد کنم. در قیام تبریز، زیر رهبری ستارخان، زنان در دفاع مسلحانه شرکت کردند. حتی برخی منابع خارجی، مثل گزارش‌های سفارت انگلیس، حضور زنان مسلح در خیابان‌ها را ثبت کرده اند.

این شیرزنان جای پا گذاشتند و مشوق نسل‌های بعد شدند. حتی در دوره پهلوی، با وجود اینکه فقط سایه مدرنیته بر سر زنان بود، باز هم توانستند نقش پررنگی ایفا کنند – هرچند با هجوم فرهنگی ۱۳۵۷ دوباره روزگارشان تیره شد.

پاورقی:

(۱) **هما دارابی**، پزشک و استاد دانشگاه، در اعتراض به «حجاب اجباری» در ۲ اسفند ۱۳۷۲ در میدان تجریش تهران خودسوزی کرد و روز بعد درگذشت. او عضو قدیمی جبهه ملی و حزب ملت ایران بود و در تظاهرات ۱۳۵۷ فعالانه حضور داشت. پس از انقلاب، مدیریت گروه روان‌پزشکی دانشگاه شهید بهشتی را بر عهده داشت. یک سال پیش از خودسوزی به دلیل بدحجابی از دانشگاه اخراج شد و گفته می‌شود از افسردگی شدید رنج می‌برد.

طاهره قره‌العین؛ پیشگام کشف حجاب در ایران

آناهیتا دی پیر: بانو نظر، شما درباره طاهره قره‌العین (زرین تاج) صحبت‌های زیادی کردید. یک سؤال دارم: آیا می‌توانیم او را مادر کشف حجاب در عصر قاجاریه بنامیم؟

شهره نظر: ببینید، اگر بخواهیم عادلانه نگاه کنیم... خیلی‌ها بر من خرده گرفته‌اند و می‌گویند به خاطر ارادتی که به خاندان پهلوی دارم، چرا می‌گویم طاهره قدم اول را برداشته است؟ پاسخ من روشن است: اگر قضاوت‌مان عادلانه نباشد، مردم حرف ما را باور نمی‌کنند.

چه بخواهیم چه نخواهیم، مراحل طی شد تا رسیدیم به رفع یا کشف حجاب. حضور طاهره در آن فضای بسته - با بگير و ببند بابی‌ها از یک‌سو و فشار مذهبیون افراطی از سوی دیگر - کاری کارستان بود. آن زمان قتل امیر کبیر (۱) را داشتیم و نگاه خصمانه مهد علیا (۲) به بسیاری از جریان‌ها. حالا شاید نگاه امروز من برای شما دردسرساز باشد، اما حقیقت تاریخی را نمی‌توان نادیده گرفت.

آناهیتا دی پیر: اصلاً نیست! برعکس، همین رک‌گویی شماست که ارزش دارد.

شهره نظر: من فقط نگران شما بودم!

آناهیتا دی پیر: نه، برنامه‌ی ما صرفاً بر اساس روشنگری است. هر مطلبی که منبع درست و سندیت داشته باشد پذیرفتنی است.

شهره نظر: سپاس! ببینید، من همیشه طاهره و مهد علیا را کنار هم بررسی می‌کنم، چون تاریخ‌شان نزدیک به هم است. طاهره از خانواده‌ای کاملاً مذهبی بود؛ پدرشوهر و

همسرش همه مذهبی بودند، اما او همه این‌ها را پشت سر گذاشت، به درجه اجتهاد رسید و کاری کرد کارستان: مقنعه را از سر برداشت.

برای من مهم نیست او را مسلمان، زرتشتی یا بابی بدانند؛ اصل کار او مهم است. ما باید عمل او را ببینیم، نه برچسب‌های ایدئولوژیک. همین حرکت اوست که بعدها الهام‌بخش شد و در نهایت در دوره رضاشاه کبیر به تجربه کشف حجاب (۳) انجامید. رضاشاه کاری کرد که هیچ‌کس دیگری نمی‌توانست. برخی هنوز بحث می‌کنند آیا این اقدام درست بود یا نه، اما واقعیت این است که تنها راه پرتاب کردن ایران به آینده، قانون بود. و او این کار را کرد.

اما باز هم می‌بینیم که مغزشویی مذهبی در ایران چنان نهادینه شده بود که پس از هجوم فرهنگی، زن قاضی به وکالت راضی می‌شود و این را «خوب» می‌داند! این همان ریشه مذهبی است که باید با آن مبارزه کرد.

چرا اسم مهد علیا را آوردم؟ چون او شخصیتی دوگانه دارد. از یک سو صدراعظم عوض می‌کند و اعتمادالدوله (میرزا آقاخان نوری) (۴) را صدراعظم می‌کند، و از سوی دیگر همان صدراعظم را برای نجات ایران تحت فشار می‌گذارد. حتی دامادش (میرزا کاظم نظام‌الملک) (۵) هم درگیر این ماجراها بود. نقش مهد علیا هم مثبت دیده می‌شود و هم منفی. یکی از مشکلات بزرگ ما همین است: تاریخمان را گاهی کسانی نوشته‌اند که انصاف نداشته‌اند. آن‌طور که دلشان خواسته روایت کرده‌اند.

آناهیتا دی پیر: درد ما هم اینجاست!

شهره نظر: دقیقاً! و من همیشه گفته‌ام: تا وقتی به آنچه می‌گوییم باور نداشته باشیم، هیچ تغییری رخ نمی‌دهد. اگر می‌گوییم «قضاوت عادلانه»، باید از خودمان شروع کنیم. وقتی این باور در ما شکل گرفت، آن وقت حال امروز و فردایمان هم قطعاً بهتر خواهد شد.

پاورقی:

- (۱) میرزا محمد تقی خان فراهانی، امیرکبیر، نخستین صدراعظم ناصرالدین‌شاه، مؤسس دارالفنون (نخستین مرکز آموزش عالی در ایران) و ناشر روزنامه وقایع.
- (۲) ملک جهان خانم، مهد علیا، همسر محمدشاه قاجار و مادر ناصرالدین‌شاه نقش مهمی در به سلطنت رسیدن پسرش و برکناری و قتل امیرکبیر داشت.

(۳) قانون کشف حجاب در ۱۷ دی ۱۳۱۴، توسط رضاشاه پهلوی اعلام شد. در این مراسم، همسر و دختران رضاشاه (تاج‌الملوک، اشرف و شمس) بدون حجاب حضور یافتند.

(۴) میرزا آقاخان نوری، اعتمادالدوله، هفت سال صدراعظم ایران در دوره ناصرالدین‌شاه بود.

(۵) میرزا کاظم نظام‌الملک، پسر میرزا آقاخان نوری و همسر دوم عزت‌الدوله (دختر محمد شاه قاجار). عزت‌الدوله نخست همسر امیرکبیر بود.

نقش بی‌بی خانم استرآبادی در نهضت زنان روشنفکر ایران

آناهیتا دی‌پیر: بانو نظر! شما در باره بی‌بی خانم استرآبادی (۱) هم صحبت‌هایی کردید. می‌خواستم ببینم اگر ممکن است خیلی کوتاه بفرمایید ایشان چه نقشی در نهضت آگاهی‌بخش زنان روشنفکر ایران داشتند؟

شهره نظر: یادتان باشد این بانو روزنامه‌نگار ما بود. من همیشه گفته‌ام رسانه‌ها سفیران نامرئی یک جامعه‌اند. امروز هم می‌دانیم که چه قدر گرفتار این مسئله هستیم. رسانه‌ها هرچه بگویند و هرچه به گوش و چشم مردم برسانند، اگر با حقیقت جامعه منافات داشته باشد و به منافع گروهی گره بخورد، نتیجه‌اش وارونگی تاریخ است. اما بی‌بی خانم استرآبادی چنین نکرد. او راست تاریخ را گفت و در سمت درست تاریخ ایستاد. واقعیت‌های جامعه را با حقیقت سنجید و هر جا که تناقضی بود، آن را نوشت و آشکار کرد.

سپاسگزارم که دوباره به این بانوی بی نظیر تاریخ ما اشاره کردید. چون نقش بسیار مهمی داشت. در گذر تاریخی از مشروطه تا امروز، ما زنان نویسنده، روزنامه‌نگار و شخصیت‌های بسیاری داشتیم. بعضی مثبت عمل کردند و بعضی هم – متأسفانه – ضربه‌های مهلکی زدند.

من بارها گفته‌ام: امروز ما زنان اجازه نداریم اشتباه کنیم، اجازه نداریم بی‌انصاف باشیم، اجازه نداریم غیرحقیقت بگوییم. حقیقت ایران را باید گفت؛ ایرانی که متعلق به همه ماست، با هر باور و نگاهی، تا فردایی درست ساخته شود.

پاورقی:

(۱) بی بی خانم استرآبادی، دختر خدیجه خانم (ملاباجی) ندیمه باسواد دربار ناصرالدین‌شاه. او نزد مادرش سواد آموخت و بعدها در روزنامه‌هایی چون تمدن، حبل‌المتین و مجلس مقاله نوشت. بی بی استرآبادی نخستین مدرسه دخترانه ایران، «مدرسه دوشیزگان» را تأسیس کرد. او از فعالان مشروطه بود، همچنین بنیان‌گذار «کلوب ملی زنان» و «انجمن ایتم» بود. مهم‌ترین اثر او کتاب «معیب ارجال» است که در پاسخ به رساله زن ستیزانه «تأدیب النسوان» نوشت.

جایگاه تاج‌السلطنه در تاریخ جنبش زنان ایران

آناهیتا دی پیر: بسیار سپاسگزارم! سرکار خانم نظر من خیلی شما را خسته کردم. اما اگر ممکن است درباره تاج‌السلطنه (۱) هم برای ما صحبت کنید. ایشان از زنانی هستند که نامشان در بین فعالان جنبش زنان ایران زیاد شنیده می‌شود. می‌خواستم بپرسم ایشان چه نقشی در جنبش زنان ایران داشتند؟

شهره نظر: ببینید، این زنان هرکدام در مقطع خاص خودشان کاری کارستان کردند. من نمی‌خواهم حرکت هیچ‌کدامشان را در ترازوی سنجش بگذارم؛ همه تلاش کردند، نیرو گذاشتند و شایسته سپاس‌اند. اما مجموع همین زنان دیروز، تاریخچه جنبش زنان ما را ساختند. چه طاهره قرة‌العین، چه بی‌بی خانم استرآبادی، چه بانوان دیگری که در روزگار خطر، مثل قیام آذربایجان، تنها با نام طایفه شناخته می‌شوند... همه بخشی از همان پازل اند.

اما اجازه بدهید بگویم: در انتهای این مسیر تاریخی، دو بانو برای من جایگاهی ویژه دارند و نامشان در تاریخ ایران خواهد ماند. یکی والاحضرت اشرف پهلوی (۲) است. من معتقدم او نقشی بسیار مهم در تاریخ زنان ایران داشت. او سیاستمداری برجسته بود و حتی کشورهایی که با ایران خصومت داشتند، نتوانستند حضور پرثمر او را انکار کنند؛ بلکه به ستایشش هم پرداختند.

دیگری علیاحضرت فرح پهلوی (۳) است. توجه او به فرهنگ و تاریخ ایران بی‌نظیر بود. در یک دیدار کوتاه در ایتالیا، جرقه علاقه‌ای در او زده شد که بعدها به پژوهش و حمایت جدی

از فرهنگ ایران انجامید. تلاش‌هایش در عرصه فرهنگ، آموزش و هنر حتی پس از انقلاب هم انکار نشد، حتی از سوی دشمنان خاندان پهلوی. همه این‌ها مجموعه‌ای از نام‌هاست که امروز مرور کردیم؛ برخی پررنگ‌تر، برخی کمرنگ‌تر، نه به خاطر سلیقه من، بلکه به خاطر فرصتی که برای مطالعه و پرداختن به آنها داشتم. همان طور که گفتم، ما نسلی بودیم که در جوانی، حادثه تلخ ۵۷ را تجربه کردیم. زنان، بزرگ‌ترین قربانیان آن روزگار شدند. اما زنان سلحشور سکوت نکردند. امیدوارم جنبش زنان ایران، مثل همیشه تاریخ، وظیفه ملی خود را دنبال کند تا به سرمنزل مقصود برسیم: یک ایران آزاد، آباد و سرشار از عشق و زندگی.

آناهیتا دی پیر: آمین! همگی در انتظار آن روزهای زیبا هستیم؛ روزهایی که زمانی داشتیم و دوباره به دست خواهیم آورد. این باور من هم هست.

پاورقی‌ها:

(۱) **تاج‌السلطنه** (زهره خانم)، دوازدهمین دختر ناصرالدین‌شاه قاجار بود و مادرش توران‌السلطنه. او از هواداران مشروطه بود و در انجمن «حریت نسوان» عضویت داشت. با شاعرانی چون عارف قزوینی و میرزاده عشقی در ارتباط بود. بخشی از یادداشت‌های روزانه‌اش در کتاب «خاطرات تاج‌السلطنه» منتشر شده است.

(۲) **شاهدخت اشرف پهلوی**، خواهر دوقلوی محمدرضاشاه پهلوی. او دیپلماتی فعال در سازمان ملل بود، ریاست کمیسیون حقوق بشر را بر عهده داشت و از مؤسسين «سازمان خدمات اجتماعی» و سازمان زنان ایران بود.

(۳) **شهبانو فرح پهلوی** (دبیا)، همسر محمدرضاشاه پهلوی. پس از ازدواج در ۱۳۳۸، و به‌ویژه بعد از تاجگذاری در ۱۳۴۶، به شهبانوی ایران و نایب‌السلطنه منصوب شد. او بنیان‌گذار و حامی نهادهای متعدد فرهنگی، آموزشی و بهداشتی بود؛ از جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، موزه هنرهای معاصر و موزه فرش ایران. همچنین از حامیان اصلی سازمان زنان ایران و جشن هنر شیراز بود.

صدور اجباری شناسنامه برای زنان و دختران

آناهیتا دی پیر: بانو نظر گرامی، پرسش بعدی من درباره یکی دیگر از اقدامات سرنوشت‌ساز رضاشاه در حوزه حقوق زنان است. پیش از کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ش/۱۹۳۶م، دولت با تصویب «قانون سجل احوال» در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م، همه شهروندان را موظف به دریافت شناسنامه کرد. مقاومت‌های گسترده‌ای در برابر ثبت نام زنان و دختران وجود داشت، تا جایی که برخی از علما فتوا دادند این اقدام دسیسه‌ای از سوی بیگانگان است برای آشکار کردن نام زنان. تلاش‌های تبلیغاتی رسمی دولتی نیز کارساز نبود. سرانجام در سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، دولت با اعمال فشار، خانواده‌ها را وادار کرد که همه اعضای خانواده، از جمله دختران، باید دارای سِجِل یا شناسنامه شوند. از دید تاریخی، کشف حجاب مهم‌ترین اقدام رضاشاه در حوزه زنان به‌شمار می‌آید. اما آیا می‌توان صدور اجباری شناسنامه برای زنان و دختران را، به‌رغم تقدم زمانی‌اش، به‌عنوان دومین نقطه عطف بزرگ در تاریخ حقوق زنان ایران دانست؟ به نظر شما، آیا این اقدام، استفاده خودکامه از قدرت دولتی بود یا ضرورتی تاریخی در شرایط زمانی و مکانی آن دوره؟

شهره نظر: اجازه بدهید در پاسخ به پرسش شما به تاج‌السلطنه اشاره کنم. تاج‌السلطنه شاهزاده‌ای از خاندان قاجار، روشنفکری نویسنده و دختر ناصرالدین‌شاه بود. او با وجود جایگاه اشرافی خود، علیه سنت‌ها و بی‌عدالتی‌های دربار و حتی در برابر پدرش قیام کرد. مقایسه‌ای میان او و والاحضرت اشرف پهلوی شاید ناگزیر باشد. تاج‌السلطنه

راه اعتراض و مبارزه را برگزید، در حالی که اشرف بیشتر در مسیر سیاست‌های پدرش گام برداشت.

همین نگاه تاریخی نشان می‌دهد چرا رضاشاه ناگزیر بود صدور شناسنامه برای زنان را به‌طور قاطعانه اجرا کند. متأسفانه باید بگویم حتی پس از صدور شناسنامه، برخی از مذهب‌یون همچنان مقاومت می‌کردند. آنان معتقد بودند «زن را نباید با اسم صدا کرد» و برای دختران شناسنامه نمی‌گرفتند. اما ضرورت‌های قانونی – مانند ثبت ازدواج، ارث و دیگر مسائل حقوقی – سرانجام خانواده‌ها را ناچار ساخت تا برای دختران نیز شناسنامه دریافت کنند.

از همان ابتدا حضور و هویت زن نادیده گرفته می‌شد. فرقی نداشت تاج‌السلطنه باشی یا دختری روستایی بی‌نام و نشان؛ در هر صورت حقوقی برای تعریف نشده بود مگر آنکه برخی و مانند طاهره قره‌العین یا همان شاهزاده قاجاری، علیه وضع موجود قیام کنی. رد پای چنین زنانی را در تاریخ مشروطه و پیش از آن تا امروز می‌توان دید. صدور شناسنامه اجباری، در حقیقت گامی بود که وجود و هویت زنان را در جامعه به رسمیت رساند.

فراموش نکنیم رضاشاه جامعه‌ای را تحویل گرفته بود که هنوز در بسیاری از زمینه‌ها به سنت‌های کهن و حتی رفتارهای غیرانسانی پایبند بود. جامعه‌ای که گاه تولد دختر را نکبت می‌پنداشت و او را از ابتدایی‌ترین حق حیات محروم می‌کرد. رضاشاه باید چنین جامعه‌ای را از «عصر حجر» به مدرنیته پرتاب می‌کرد؛ و ابزار او جز قانون چه می‌توانست باشد؟ اگر راه بهتری وجود داشت، خوشحال می‌شوم هر شنونده‌ای، هر پژوهشگری آن را بیان کند؛ چراکه اگر پشت سخنی منطقی باشد، بیان حقیقت هیچ‌گاه هراسی ندارد.

من باور دارم زنان ایران بدهی تاریخی بزرگی به خاندان پهلوی دارند. آیندگان نیز مسئولیت دارند که این حقیقت را به‌درستی روایت کنند و برای نسل‌های آینده احترام قائل شوند. تاریخ ما در دوره پهلوی همچون رؤیایی شیرین بود که جهان طاقت آن را نیاورد. اما من مطمئنم فرزندان فردای ایران این روایت را زنده نگاه خواهند داشت، و امیدوارم همت ما با پشتیبانی آنان این مهم را هرچه زودتر تحقق بخشید.

پاورقی:

(۱) سجل احوال در مجلس چهارم شورای ملی در سال ۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵ م تصویب شد و همه اتباع ایران موظف به داشتن شناسنامه (سجل) گردیدند. اجرای این قانون با مقاومت‌هایی، به‌ویژه در زمینه ثبت نام دختران و زنان، روبه‌رو

شد. برخی از علما صدور شناسنامه برای زنان را «بدعتی برخاسته از بیگانگان» دانستند. دولت در ابتدا با تبلیغات رسمی کوشید افکار عمومی را همراه کند، اما سرانجام در سال ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱ م با اعمال فشار، خانواده‌ها را ناگزیر ساخت که همه اعضای خانواده، از جمله دختران، دارای سجل یا شناسنامه شوند. این اقدام، در کنار کشف حجاب (۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۶ م)، از مهم‌ترین اصلاحات رضاشاه در حوزه حقوق زنان به شمار می‌آید.

کم رنگ کردن دستاوردهای زنان در عصر پهلوی

آناهیتا دی پیر: بانو نظر، اگرچه در خلال توضیحاتتان به بسیاری از پرسش‌های من پاسخ داده‌اید، اما اجازه بدهید این سؤال را نیز مطرح کنم. حقوق زنان در عصر پهلوی را می‌توان نمونه‌ای از دستاوردها و مبارزات زنان ایرانی دانست. شما نیز به‌خوبی درباره آن، از گذشته تا امروز، توضیح دادید. به نظر شما چرا این حقوق در نگاه بسیاری از مورخان و همچنین فعالان معاصر جنبش زنان نادیده گرفته می‌شود؟

شهره نظر: این مسئله ریشه‌ای سیاسی دارد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، ابزارها و حربه‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی تغییر شکل داده‌اند. اگر اجازه بدهید، نقدی تاریخی بر این زمینه ایدئولوژیک بیان کنم.

در برخی مقاطع، باورهای مذهبی در اروپا و کلیسا برجسته و پر قدرت می‌شوند، سپس در دوره‌ای دیگر ضعیف و کم‌رنگ می‌گردند و در کنار آن پدیده‌های تازه‌ای رشد می‌کنند. برای نمونه، فیلمی با عنوان خداحافظ اسرائیل (۱) وجود دارد که ترجمه فارسی آن از من است و با صدای من نیز در یوتیوب (۲) منتشر شده است. در آن فیلم می‌توان به‌وضوح دید که چگونه این روندها شکل می‌گیرند. در اینجا مسجد و باورهای اسلامی برجسته می‌شوند، اما نه به‌عنوان حرکتی خودجوش؛ بلکه قدرت‌های جهانی از این باورها به‌عنوان ابزاری برای کنترل جوامع استفاده می‌کنند.

روش کار نیز چنین است: این قدرت‌ها شرایط را به‌گونه‌ای هدایت می‌کنند که گویی مذهب و نهادهای دینی باید سخن نهایی را بیان کنند. اگر به جریان‌های گلوبالیست امروزی که در برابر ناسیونالیست‌ها قرار گرفته‌اند توجه کنیم، می‌بینیم که چگونه از مذهب به‌عنوان

ابزاری برای نفوذ در جوامع بهره می‌گیرند. به یک هنرمند جایزه‌ای جهانی می‌دهند و او سخنی خاص بر زبان می‌آورد؛ به فردی دیگر در جایی دیگر جایزه‌ای مشابه می‌دهند و پیامی دیگر القا می‌شود. به این ترتیب، صحنه‌ای از پیش طراحی‌شده شکل می‌گیرد، یک‌بار به نام زنان مسلمان، بار دیگر به نام فلسطین یا مسئله‌ای دیگر. اما در نهایت، وقتی به عمق ماجرا می‌نگریم، همه اینها به یک مرکز واحد باز می‌گردد. نتیجه چنین روندی تحریف تاریخ است. پوزش می‌خواهم اگر طولانی شد، اما پرسش شما بسیار مهم بود، به‌ویژه در این بزنگاه تاریخی که میهن من و شما در آن قرار گرفته است.

آناهیتا دی پیر: بله، این یکی از دلایل اصلی بود که من تصمیم گرفتم این کار را آغاز کنم. **شهره نظر:** امیدوارم در این مسیر موفق باشید. ببینید، امروز تحریف تاریخ بزرگ‌ترین خطر است؛ نه فقط برای ایران ما، نه فقط برای منطقه ما، بلکه برای سراسر جهان. به یاد دارم روزی با یکی از روزنامه‌نگاران برجسته ایرانی، سیروس آموزگار (۳)، که اکنون در میان ما نیست، گفت‌وگویی داشتم. روحش شاد! هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم، در آن زمان که جوان بودم به او گفتم: «استاد، من بسیار نگران ایرانمان هستم.» او پاسخ داد: «دخترم، نگران جهان باش.» آن روز معنای سخنش را دریافتم، اما امروز به‌خوبی می‌فهمم. امروز جهان، چرا چنین شتاب‌زده به سامان‌دهی منطقه ما می‌پردازد؟ زیرا آن دوران که رخدادهای دوردست سودی برای ما داشت، گذشته است. اکنون هر حادثه‌ای در آن سوی جهان می‌تواند مستقیماً زیان خود را به ما تحمیل کند. فاصله‌ها کوتاه شده و تکنولوژی این فاصله‌ها را از میان برداشته است. دیگر زمانه سال ۱۳۵۷ نیست که بتوان با تبلیغات و شعارها افکار عمومی را فریب داد. امروز مردم به رسانه‌های جهانی دسترسی دارند و واقعیت‌ها را بی‌درنگ دریافت می‌کنند.

از این رو، تحریف تاریخ خطری جدی است. حقیقت وجود رضاشاه بی‌تردید ثبت شده است؛ نه فقط در تاریخ ما، بلکه در تاریخ همه شخصیت‌های برجسته جهان. و همین‌گونه محمدرضا شاه پهلوی. بنگرید چه شخصیت‌های بزرگی در برابر آنان سر تعظیم فرود آوردند؛ حتی پس از درگذشتشان. حضور تاریخی آنان و سیاست‌هایی که نه تنها منطقه بلکه بخش‌هایی از جهان را سامان بخشید، انکارناپذیر است.

امیدوارم بار دیگر در برابر تاریخ ناگزیر به عذرخواهی نشویم؛ چه زن، چه مرد، چه سیاستمدار یا نویسنده، چه هنرمند یا روزنامه‌نگار. تفاوتی نمی‌کند در کجای این جغرافیا زاده شده‌ایم یا در کدام جایگاه این حرکت بزرگ قرار گرفته‌ایم. آنچه اهمیت دارد این است

که نقش خود را درست ایفا کنیم و وظیفه خویش را به درستی انجام دهیم. همان طور که پیش تر نیز گفته ام و باز هم تأکید می کنم: ما دیگر فرصت و مجال خطا نداریم.

پاورقی ها:

(۱) خدا حافظ اسرائیل!

Farewell Israel

(۲) نسخه ترجمه فارسی «خدا حافظ اسرائیل» با صدای خانم شهره نظر، در دسترس در:

[YouTube](#)

(۳) سیروس آموزگار، حقوقدان و وزیر اطلاعات و جهانگردی در کابینه شاپور بختیار بود. او همچنین سال ها با مجلات «خواندنی ها» و «روشن فکر» همکاری داشت.

نقش تاریخی انقلاب سفید و اعطای حق رأی به زنان

آناهیتا دی پیر: بانو ناظر گرامی، پرسش بعدی من درباره حق رأی زنان است. همانطور که می‌دانید، حق رأی زنان یکی از اصول شش‌گانه اولیه انقلاب سفید (۱) بود که محمدرضا شاه در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۴۱ اعلام کرد. سپس در ۱۲ اسفند همان سال (۲)، حق رأی زنان در ایران به‌طور رسمی به رسمیت شناخته شد. به نظر شما این تصمیم چه نقشی در تکمیل روند کشف حجاب داشت؟

شهره نظر: بدون تردید، این اقدام مکمل خواسته برحق رضاشاه بود. چراکه هدف تنها دیده‌شدن زن در عرصه اجتماعی نبود، بلکه باید زنان به مناصب و جایگاه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری نیز دست می‌یافتند؛ همان‌گونه که در تاریخ پرافتخار ایران سابقه داشت. در همان سال، علیاحضرت نیز فرمان دادند که زنان بتوانند در انتخابات شرکت کنند. مهم‌ترین تأثیر این تصمیم آن بود که بانوان، پس از سال‌ها محرومیت – به‌ویژه پس از ورود اسلام به ایران – و با وجود تلاش‌هایی که از دوران مشروطه و حتی پیش‌تر آغاز شده و روزه‌روز پررنگ‌تر شده بود، این‌بار خود را در تعیین سرنوشت کشور سهیم دیدند. آنان به مجلس راه یافتند، بر روند قانون‌گذاری تسلط پیدا کردند، و در رد یا تصویب قوانین نقش ایفا نمودند؛ و این یعنی دخالت مستقیم در تعیین سرنوشت یک سرزمین.

این هدیه تاریخی هنگامی به زنان ایران اعطا شد که، شاید برخلاف تصور برخی، پیش از آن در تعدادی از کشورها – حتی در خاورمیانه – حق رأی به زنان داده شده بود. اما چرا در ایران با تأخیر تحقق یافت؟ زیرا از ایران بیم داشتند؛ نمی‌خواستند به یک‌باره نیروی انسانی این کشور با حضور زنان دو برابر شود. اما زنان ایرانی نشان دادند که می‌توانند

در عرصه قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری سیاسی «کارستانی» کنند، به‌ویژه با ابتکار اعلیحضرت فقید در دخالت دادن زنان در امور قانونی کشور. پس از تاجگذاری علیاحضرت (۳)، نباید فراموش کنیم که برای نخستین بار پس از چندین سده، بانوی ایران تاج بر سر گذاشت. این، به باور من، یکی از روزهای تاریخ‌ساز ایران بود. در اینجا لازم می‌دانم با اجازه شما و شنوندگان تأکید کنم که علیاحضرت فرح پهلوی به‌راستی شایسته این تاج بود. چراکه در تمامی سال‌هایی که ما پس از آن هجوم فرهنگی تجربه کردیم، ایشان نماینده اصالت، شجاعت، شهامت و صداقت زن ایرانی بودند؛ و با جان و دل کوشیدند تا نام ایران فراموش نشود و گذشته پرافتخار آن از یاد نرود. درود بر شرف این خاندان.

پاورقی‌ها:

(۱) «انقلاب سفید شاه و ملت» برنامه‌ای شامل اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود که محمدرضا شاه پهلوی در سال ۱۳۴۱ اعلام کرد. اگرچه این برنامه در نهایت شامل ۱۹ اصل شد، اما در شش اصل اولیه (سال ۱۳۴۱)، اعطای حق رأی به زنان یکی از بندهای اصلی بود.

(۲) در ۱۲ اسفند ۱۳۴۱، هیئت وزیران اعلام کرد که شرکت زنان در انتخابات مجلس شورای ملی و سنا جنبه قانونی یافته است. بانوان ایرانی برای نخستین بار در ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ در انتخابات مجلسین شرکت کردند و شش زن به مجلس شورای ملی راه یافتند. روح‌الله خمینی در اردیبهشت ۱۳۴۲ در سخنرانی خود گفت: «حق انتخاب شدن زنان موجب فحشا می‌شود».

(۳) در ۴ آبان ۱۳۴۶، در مراسم تاجگذاری محمد رضا شاه پهلوی در تالار کاخ گلستان، فرح پهلوی نخستین زنی در تاریخ ایران بود که تاج بر سر گذاشت و رسماً به‌عنوان نایب‌السلطنه معرفی شد.

اعطای حق رأی به زنان در کشورهای همسایه

آناهیتا دی پیر: بانو نظر گرامی، شما درباره نقش تاریخی اعطای حق رأی به زنان در ایران توضیح دادید. اما پرسشی که پیش می‌آید این است که در برخی از کشورهای همسایه، زنان بسیار زودتر از زنان ایرانی به این حق دست یافتند. (۱) به نظر شما چرا روشنفکران و حتی جنبش زنان ایران در آن دوران به این موضوع توجه کافی نداشتند و در مقایسه با همسایگان خود عقب ماندند؟

شهره نظر: نخست باید یک حقیقت تاریخی را یادآوری کنم. بسیاری از کشورهای که امروز همسایه ما هستند، زمانی جزئی از ایران به‌شمار می‌رفتند و فرهنگشان بخشی از فرهنگ پرافتخار ایران بود. اما آنان پشتوانه‌ای چون ایران نداشتند. ایران در همه مقاطع تاریخی، حتی اگر نقشه جغرافیایی‌اش کوچک‌تر از دوران هخامنشی شده بود، همچنان ارزش و جایگاهی جهانی داشت.

با این حال، مشکل اصلی در داخل ایران بود. روشنفکران ما به‌جای پافشاری بر حقوق زنان، یا سکوت کردند یا خودشان اسیر همان باورهای مذهبی شدند. (۲) بارها گفته‌ام: از ابتدایی‌ترین حقوق زنان، همچون داشتن شناسنامه یا حق رأی، مقاومت می‌شد. هنگامی که زنان در کشورهای همسایه این حقوق را به دست آوردند، بسیاری از سیاستمداران و حتی گروه‌های مدعی روشنفکری در ایران نه تنها از زنان پشتیبانی نکردند، بلکه عملاً در کنار روحانیت ایستادند.

بد نیست اینجا خاطره‌ای را تعریف کنم، در یکی از سفرهایم به واشنگتن، در هتلی با بانویی افغانستانی آشنا شدم که همسر نویسنده‌اش را از دست داده و با فرزندانش به

آمریکا مهاجرت کرده بود. او به من گفت: «ما سلامتی و امیدمان را تا زمانی داشتیم که شاه زنده بود. با اینکه به افغانستان حمله شد، باز هم امیدوار بودیم که نجات خواهیم یافت.» این سخن برای من بسیار تکان‌دهنده بود. نشان می‌داد که حتی همسایگان ما نیز به‌خوبی می‌دانستند قدرت و سلامت منطقه در گرو پیشرفت و پایداری ایران است. در همین‌جا بود که به یاد حمله‌ای از اعلیحضرت فقید افتادم که هشدار دادند: «مراقب باشید ایران نشود ایرانستان!» متأسفانه روشنفکران ما در آن بزنگاه تاریخی نتوانستند از تجربه همسایگان درس بگیرند و مسیر را هموارتر سازند. امروز هم باید با نهایت احتیاط از این گذرگاه تاریخی عبور کنیم. زمزمه‌های بسیاری درباره ایران به گوش می‌رسد و ما هیچ مجال خطا نداریم. محکومیم که درست عمل کنیم، در جایگاه درست تاریخ بایستیم، و آنچه در توان داریم برای بازپس‌گیری ایران و آینده‌ای آزاد و آباد به کار گیریم. همسایگان ما – چه افغانستان، چه پاکستان و حتی بسیاری دیگر در خاورمیانه – به‌خوبی می‌دانند که سلامت و آزادی منطقه در گرو رهایی ایران از بند جمهوری اسلامی و بازگشت آن به جایگاه طبیعی‌اش است.

پاورقی‌ها:

(۱) بجز عراق که در سال ۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م به زنان حق رأی داد، در دیگر کشورهای همسایه زمینی ایران، این حق سال‌ها پیش از ایران به رسمیت شناخته شده بود: در روسیه (۱۳۹۶ش/۱۹۱۷م)، در افغانستان (۱۳۹۸ش/۱۹۱۹م)، در ترکیه (۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م) و در پاکستان (۱۳۳۶ش/۱۹۴۷م).

(۲) روح‌الله خمینی در سال ۱۳۴۱ش/۱۹۶۳م در نامه‌ای به محمدرضا شاه نوشت که «حق رأی زنان مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است.» در همان زمان، بسیاری از احزاب سیاسی و چهره‌های روشنفکری یا آشکارا با اعطای حق رأی به زنان مخالفت کردند یا با سکوت خود عملاً از موضع خمینی پشتیبانی نمودند. جبهه ملی دوم و نهضت آزادی با مخالفت با انتخاباتی که «حق رأی زنان» از اصول شش‌گانه آن بود، در عمل همسو با خمینی قرار گرفتند. حزب توده نیز در آن دوره به حمایت از خمینی برخاست و حتی سخنرانی‌های او را ضبط و تکثیر می‌کرد.

تجربه‌های شخصی و مبارزاتی

آناهیتا دی پیر: بانو نظر جان، در پایان، می‌توانید بفرمایید چه تجربه شخصی و مبارزاتی دارید که به نظر شما می‌تواند در راستای روشنگری و پویایی جنبش زنان ایران مفید باشد؟

شهره نظر: با افتخار حتماً!

آناهیتا دی پیر: سپاسگزار می‌شوم!

شهره نظر: من، همان‌طور که در آغاز گفتم، در خانواده‌ای به دنیا آمدم و بسیار جوان بودم که این ماجراها در میهنم رخ داد. من در یک خانواده یهودی زاده شدم، اما تجربه‌ای را که طی همه این سال‌ها اندوخته‌ام با همه وجود و با افتخار با شما در میان می‌گذارم. هرچه زمان گذشت، بیشتر به حقانیت آنچه در دوران پهلوی برای زنان اتفاق افتاد پی بردم. به همین دلیل است که گفتم اگر «جنبش زنان» را انتخاب کرده‌ام، از سر باور است. حتی من – زنی یهودی که در آن زمان به ما «اقلیت» می‌گفتند – حق و حقوقم را پیش از بسیاری از زنان جهان، از پادشاه ایران، محمدرضا شاه پهلوی، دریافت کردم. سهیم شدن زن در ارث خانواده، برابری حقوقی در حضانت و ارث، بدون توجه به مذهب یا قومیت؛ این برای جامعه آن زمان بسیار اهمیت داشت. و وقتی این چهل‌واندی سال را پشت سر گذاشتم، دیدم بهترین انتخاب من این بود که به حقیقت تاریخ سرزمینی که در آن به دنیا آمدم وفادار بمانم.

وفاداری ما به تاریخ ایران باید فراتر از زبان، دین یا قومیت‌مان باشد. همه ما ایرانی هستیم، و وظیفه مشترکمان نگهبانی از این سرزمین است. حتی اساسنامه جنبش زنان ایران را

که به نگارش درآمد، با اصرار من، مرد و زن هر دو در آن سهیم شدند. چون در ایران من، پیش از اسلام، نه فمینیسم به معنای غربی‌اش وجود داشت و نه «بازپس‌گیری حقوق زن» معنا داشت. زن و مرد با هم بودند. بنابراین ما – زن و مرد ایرانی – وظیفه مشترکی داریم: بازپس‌گیری سرزمین‌مان و احیای حقوق تاریخی‌مان. سپاسگزارم!

آناهیتا دی پیر: درود بر شما! بسیار سپاسگزارم که این مصاحبه را پذیرفتید.

برآیند گفت‌وگو

به قلم: آناهیتا دی پیر

امید آن دارم که این گفت‌وگو – که به موضوعات اجتماعی، سیاسی و تاریخی مرتبط با جنبش زنان ایران می‌پردازد – مورد توجه و علاقه خوانندگان قرار گرفته باشد.

در این مصاحبه طولانی، سرکار خانم شهره نظر با صداقت و بی‌پیرایگی از باورها و دیدگاه‌های خود سخن گفتند و نقش اجتماعی و سیاسی زنان ایران را از دوران باستان تا امروز بررسی کردند. ایشان بر ضرورت ادامه پژوهش در زمینه تاریخچه جنبش زنان ایران تأکید داشتند و برداشت خود را از مفهوم و تعریف «جنبش زنان» تبیین کردند.

خانم نظر جایگاه زنان در تاریخ ایران را به دو دوره اصلی تقسیم نمودند: عصر پیش از حمله اعراب و دوران سلطه فرهنگی اسلام. ایشان یادآور شدند که «این یک ضرورت تاریخی است که از نقش مهم سیاسی و حتی نظامی زنان در ایران باستان سخن گفته شود، تا زنان و مردان ایران بدانند جایگاه زن در فرهنگ و جامعه ایران باستان کمتر از مرد نبوده و نباید باشد.»

در این راستا، ایشان به نمونه‌هایی همچون یوتاب، فرمانده نظامی زن در برابر اسکندر، آرتادخت اشکانی وزیر مالیه شاهنشاهی، و نیز زنان نامدار عصر ساسانی چون آذرمدخت و پوران‌دخت (پادشاهان زن)، همچنین آتوسا، ملکه هخامنشی و دختر کوروش بزرگ، اشاره کردند.

خانم نظر همچنین به زنان مبارز و اثرگذار دوره قاجار پرداختند؛ از جمله زرین‌تاج (قره‌العین)، بی‌بی خانم استرآبادی و تاج‌السلطنه، و نقش آنان را در رشد و آزادی زنان ایران برجسته

دانستند. در ادامه نیز به تحولات عصر رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی اشاره کردند و اهمیت اقداماتی چون صدور شناسنامه، کشف حجاب و اعطای حق رأی به زنان را در مسیر پویایی و پیشرفت زنان ایران تحلیل نمودند.

در بخش دیگری از گفتگو، ایشان به نقش مذهب در ایران، منطقه و حتی اسرائیل پرداختند و به‌ویژه بر جایگاه فرهنگ مردسالاری در ستیز با حقوق زنان ایران در دوره‌های مختلف تاریخی انگشت نهادند.

برای اطلاع خوانندگان، این مصاحبه در دو بخش در کانال یوتیوب «گفت‌وگوی روز» منتشر شده است.

بار دیگر امید داریم که این گفت‌وگو توانسته باشد به روشن‌تر شدن بخشی از ابعاد اجتماعی، سیاسی و تاریخی «جنبش زنان ایران» یاری رساند.

با درود و سپاس

پرنسپل جنبش زنان ایران



گفتگوی روز

بزودی منتشر می شود:

دفتر دوم از مجموعه پژوهش های
«تاریخچه جنبش زنان ایران»

گفتگو با: **شیرین یادگاری**

کارشناس ارشد روابط بین الملل و فعال حقوق بشر

به کوشش: **آناهیتا دی پیر**





سرگذشت جنبش زنان ایران، تنها روایت چند مطالبه حقوقی نیست،
روایت ایستادگی و پایداری زن ایرانی است
از روزگاران باستان تا امروز.

در این گفت‌وگو، شهره نظر با زبانی صریح و بی‌پروا
از فراز و فرودهای تاریخی،
از چالش‌ها و دستاوردها،
و از امید به آینده‌ای آزاد و برابر سخن می‌گوید.

این کتاب دعوتی است به بازخوانی تاریخ
و تلاشی برای آنکه راه فردای ایران را روشن‌تر ببینیم.

Goftegooye-Rooz



از انتشارات «گفتگوی روز»

